



Opening the boundaries of The concept of The education: in an attempt to provide an innovative explanation of Quranic education

farzaneh alizadeh¹| Maasomeh Alsadat Hosseini Mirsafi²

|mohammad reza shirazi³

Abstract

The concept of education in the current era is one of the most difficult concepts that has traveled a path full of ups and downs and is still facing ambiguities. Although there is no serious dispute about the necessity and importance of education, different and sometimes contradictory analyzes of this concept show that this concept has not been able to find its true meaning in religious and non-religious societies. Therefore, it seems necessary to reflect on it. For this reason, the present article, with the inferential method and descriptive semantics, aims to clarify the concept of education with novel words based on the verses of the Qur'an, and analyze its educational implications. The data obtained from the research show that words such as: production, The ability, and love / affection have a close semantic link with the main structure of Quranic education, which has been neglected in the researches despite their high educational importance. The high importance of education in the Qur'an, the expansion of the limits and gaps of the concept of education, ability as a prerequisite for learning, the place of love /affection in the process of goal setting and content compilation are among the most important educational implications arising from the examined vocabulary.

Keywords: Education, Educational Quranic researches, production, The ability, love / affection.

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.3.8.8

1. Student, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Yadegar-e-Imam Khomeini (RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad university, Tehran, Iran. falizadeh_89@yahoo.com
2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. hosseini_7@yahoo.com
3. Assistant professor, Department of jurisprudence and Fundamentals of Islam Low, Yadegar-e-Imam Khomeini(RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. shirazi.mr@gmail.com

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



بحث في قضايا التربية الإسلامية

فتح حدود مفهوم التربية: سعياً لتقديم تبين جديد عن التربية القرآنية

فرزانه العلي زاده¹ | معصومة السادات حسيني ميرصفي² | محمدرضا الشيرازي³

٦٠

المجلد ٣١
الخريف ١٤٤٤

ورقة البحث

تاريخ الاستلام: 3 صفر 1444
تاريخ المراجعة: 03 رمضان 1441
تاريخ القبول: 10 ربيع الأول 1445
تاريخ النشر: 3 ربيع الثاني 1445

صص: ٢٣٧-٢٥٨

ISSN: 2251-6972
E-ISSN: 2645-5196



DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.3.8.8

الملخص

يعد مفهوم التربية في العصر الحالي من أصعب المفاهيم التي قطعت طريقاً مليئاً بالصعود والهبوط و ما زال يواجه الغموض. ورغم عدم وجود خلاف جدي حول ضرورة وأهمية التربية، إلا أن التحليلات المختلفة والمتناقضة أحياناً لهذا المفهوم تظهر أن هذا المفهوم لم يتمكن من إيجاد معناه الحقيقي في المجتمعات الدينية وغير الدينية. ولذلك، يبدو من الضروري التفكير والتدقيق في هذا الأمر. ولهذا السبب يهدف هذا المقال -بالمنهج الاستنتاجي و معرفة المعاني الوصفية- مضافاً إلى توضيح مفهوم التربية بألفاظ جديدة مبنية على الآيات القرآنية، إن يعيد النظر إلى دلالاتها التربوية. تشير البيانات التي تم الحصول عليها من البحث إلى أن كلمات مثل: الاصطناع، الاستطاعة، والود، لها ارتباط دلالي قوي بالبنية الأساسية للتربية القرآنية، والتي على الرغم من أهميتها التربوية العالية فقد أهملت في الدراسات المبحوثة. إن الأهمية الكبيرة للتربية في القرآن، اتساع حدود و ثغور مفهوم التربية، الاستطاعة كشرط مسبق للتعلم، و مكانة الود في عملية تحديد الأهداف و تدوين المحتوى، كل ذلك من أهم الدلالات التربوية المستخرجة من الالفاظ المبحوثة.

الكلمات الرئيسية: التربية؛ دراسة القرآن التربوية، الاصطناع، الاستطاعة، الود

١. طالبة دكتوراه في علوم القرآن والحديث، وحدة يادكار الإمام الخميني (ره)، مدينة الري، جامعة الحرة الإسلامية، طهران، إيران.

٢. الكاتبة المسؤولة؛ أستاذة مساعدة، قسم المعارف الإسلامية، وحدة جنوب طهران، جامعة الحرة الإسلامية، طهران، إيران.
hosseini_7@yahoo.com

٣. أستاذ مساعد، قسم الفقه وأصول الحقوق الإسلامية، وحدة يادكار الإمام الخميني (ره)، مدينة الري، جامعة الحرة الإسلامية، طهران، إيران.

المؤلفون

الناشر: جامعة الامام الحسين (ع)

هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (CC BY).





مرزگشایی مفهوم تربیت: در تکاپوی ارائه تبیینی بدیع از تربیت قرآنی

فرزانه علیزاده^۱ | معصومه السادات حسینی میرصفی^۲ | محمدرضا شیرازی^۳

سال سی یکم
پاییز ۱۴۰۲
صص: ۲۵۸ - ۲۳۷

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۰۷ شهریور ۱۴۰۱
تاریخ بازنگری: ۳۰ فروردین ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۰۱ مهر ۱۴۰۲
تاریخ انتشار: ۲۴ مهر ۱۴۰۲

شاپا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



چکیده

مفهوم تربیت در عصر کنونی یکی از دشوارترین مفاهیمی است که مسیری پرفراز و نشیب را پیموده و هنوز با ابهاماتی روبه‌روست. باوجوداینکه در باب ضرورت و اهمیت تربیت مناقشه‌ای جدی وجود ندارد اما تحلیل‌های متفاوت و گاه متناقضی که از این مفهوم صورت می‌گیرد نشان می‌دهد این مفهوم نتوانسته معنای واقعی خود را در جوامع دینی و غیر دینی پیدا کند؛ لذا تأمل و تدقیق در آن همچنان ضروری به نظر می‌رسد. به این سبب مقاله حاضر با روش استنتاجی و معناشناسی توصیفی بر آن است که ضمن ایضاح مفهوم تربیت با واژگان بدیع بر اساس آیات قرآن، دلالت‌های تربیتی آن را واکاوی کند. داده‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که واژگانی مانند: *إِصْطِنَاع*، *إِسْتِطَاعَة*، و *وَدَّ* با سازه اصلی تربیت قرآنی پیوند معنایی وثیقی دارد که علی‌رغم اهمیت بالای تربیتی مورد بی توجهی پژوهش‌های انجام شده قرار گرفته است. اهمیت بالای تربیت در قرآن، بسط حدود و ثغور مفهوم تربیت، استطاعت به عنوان پیش نیاز یادگیری، جایگاه *وَدَّ* در فرآیند هدف گذاری و تدوین محتوا از مهم‌ترین دلالت‌های تربیتی برآمده از واژگان مورد بررسی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: تربیت؛ قرآن پژوهی تربیتی؛ *إِصْطِنَاع*؛ *إِسْتِطَاعَة*؛ و *وَدَّ*.

DOR: 20.1001.1.22516972.1402.31.3.8.8

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

falizadeh_89@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول: میرصفی، استادیار گروه معارف اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

hosseini_7@yahoo.com

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Shirazi.mr@gmail.com

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

تربیت برای بشریت نه به عنوان موضوعی نوظهور بلکه به عنوان مسئله‌ای با قدمت آفرینش انسان، همواره مورد توجه بوده است و آنچه اهمیت دارد شناخت کامل انسان و تنظیم نظام تربیتی متناسب با فطرت اوست؛ «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده؛ سپس او را تربیت و هدایت کرده است (طه، ۵۰).

اهمیت این موضوع زمانی مشخص می‌شود که امروزه شاهد شکست و ناکارآمدی بسیاری از مکاتب تربیتی به دلیل نگاه مادی به انسان و عدم شناخت کامل او هستیم. دنیای امروز، هستی پر رمز و راز است که انسان را در بند دام‌های بسیاری گرفتار کرده و تکنولوژی که بنا بود انسان را به پیشرفت برساند، او را به شیء شدگی رسانده است. رها شدن انسان از دام‌های روزگار کنونی و شناخت عظمت درونی خویش به عنوان خلیفه الله و رهسپار شدن به سمت مبدأ و منتهای خود - انالله و انا الیه راجعون - از درون تربیت بدست خواهد آمد.

تربیت به دلیل نقش مهمی که در فلاح انسان و جامعه دارد، همواره در طول تاریخ حتی در دوره پسا مدرن مورد توجه اندیشمندان و متفکران جوامع بوده است و سؤالاتی از این دست که تربیت چیست و چگونه در جسم و روح ما عمل می‌کند و شخصیت و هویت انسانی را شکل دهد از مسائلی هستند که در حوزه مربوط به تربیت انسان قرار می‌گیرند. پاسخ به این پرسشها با وجود منابع و پژوهش‌های گوناگون، نیازمند تعریف جامع و مشترک از تربیت الهی است که هنوز بی پاسخ مانده است.

بررسی پیشینه فضای علمی در سده‌های گذشته نشان می‌دهد؛ رویکردهای تربیتی با ترکیبی از روش‌های علمی مدرن و محتوای دینی در بستر تربیت دینی مطرح شده است ولی کمتر پژوهش‌های روش‌مند در حوزه تعریف جامع از تربیت اسلامی مشاهده می‌شود و اکثر متفکران فعال در حوزه تربیت دینی که اثری در این زمینه ارائه نموده‌اند (داوودی، ۱۳۸۳؛ باقری، ۱۳۸۵-۱۳۸۸؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۳) تمام همت خویش را بر طرح دیدگاه‌های خود گذاشته‌اند و کمتر به تبیین تعریف مشترک از تربیت پرداخته‌اند. حتی در برخی از موارد که به الگوی مواجهه با تعریف

تربیت دینی اشاره شده است (صادق زاده، ۱۳۸۷) تنها به نقد کلی رویکردها بسنده شده است. به نظر می‌رسد این مسئله در طولانی مدت نتایج مناسبی در بر نداشته و جامعه با انبوهی از دیدگاه‌های فردی اندیشمندان مواجه خواهد بود که به تبع نبود تعریف جامع و همه‌جانبه از تربیت الهی از قدرت مناسبی برای تحول در بستر تربیتی، برخوردار نخواهد بود.

بیان مسئله

در گستره بیکرانه هستی نقطه اوج تربیت انسان، رسیدن به مقام قرب الهی است «وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» (التوبه، ۷۲) برای نیل به چنین کمالی پیامبران و حجت‌های الهی آیات حق را بر بشر متذکر شدند تا پرده‌های غفلت و نادانی را از او بزدایند «رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (الجمعه، ۲). بر این اساس؛ تربیت به عنوان رسالت قرآن یک جریان سیال و سازنده است که با نظر به صبغه بحث تربیتی بر سایر مباحث در هر برهه‌ای از تاریخ ائمه، اهمیتی صدچندان می‌یابد.

تربیت در عصر کنونی به فراخور تنوع علوم، طیف وسیع از معانی را به خود اختصاص داده و اشکال متفاوت پیدا کرده است (العلوانی، ۱۳۷۷: ۴۵). مرزها را در هم شکسته، در صحنه رقابت و نبرد نظریات گوناگون قرار گرفته که آسان درک می‌شود ولی سخت تبیین می‌گردد. تحلیل‌های متفاوت و گاه متناقضی که از آن در میان اندیشمندان وجود دارد باعث شده است این واژه نتواند معنای واقعی خود را در جهان پیدا کند زیرا این مفهوم به شدت تحت تأثیر جهان‌بینی حاکم بر ذهن اندیشمندان هر جامعه بوده است (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۲۸). پیچیدگی روزافزون روش‌های تربیت از یک سو، ورود تربیت مدرن با نقد و خرده‌گیری از تربیت اسلامی از سوی دیگر و غفلت از تعارضات و تفاوت‌های اساسی تربیت قرآنی با تربیت مدرن، سبب شده؛ تربیت برگرفته از آموزه‌های قرآنی با تربیت مدرن همراه شود ولی در این نوع همراهی تربیت قرآنی محدود به عرصه اخلاق فردی و مناسک مذهبی گشته و عرصه اجتماعی به تربیت مدرن سپرده شود (علم الهدی، ۱۳۸۴: ۲۹-۳۴). از سوی دیگر مفهومی که در پژوهش‌ها از آن به عنوان تربیت قرآنی یاد می‌شود با مفاهیم پرتکرار و پربسامدی مانند: تزکیه، تهذیب، هدایت، تأدیب، رشد، اصلاح و...

مقارن شده است و این امر مانع از آن می‌شود که با نوآوری و نگاه جدید به تبیین این مفهوم از منظر قرآن پرداخته شود. با فرض پذیرش انجام پژوهش‌های گوناگون در تربیت اسلامی جای این سؤال همچنان باقی است که آیا برآستی پرداختن به تفاوت واژه تربیت از ماده «رَبَّوْ» و «رَبَّبَ» برای تبیین و روشن شدن بحث کفایت می‌کند؟ و یا برای آن باید به سراغ مفاهیم دیگری رفت و به بررسی دوباره قلمرو معنایی آنها پرداخت؟

بنظر می‌رسد با وجود مفاهیم پرتکرار قرآنی که تاکنون به عنوان مفهوم محوری در پژوهش‌های متعدد تربیتی به کار گرفته شده‌اند؛ نتایج کاملی در مقام عمل تربیتی حاصل نشده و تربیت توحیدی تقلیل یافته است لذا نیازمند مرزگشایی مفاهیم جدید قرآنی در حوزه تربیت هستیم تا حدود و ثغور قلمروی آن را منبسط نماید و به تعریفی جامع از تربیت مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برسیم. این تحقیق را می‌توان در عداد پژوهش‌هایی که می‌خواهد این هدف را تا حدی محقق سازند، دسته‌بندی یا قلمداد کرد. دغدغه اصلی تحقیق حاضر این است که بخش اعظم توجه خود را به شناسایی واژگان جدید قرآنی که در امر تربیتی مؤثر است و در پژوهش‌های تربیتی مورد بی‌مهری قرار گرفته است اختصاص دهد. این نوشتار، چنین رویکردی را در واژگان اِصْطِنَاع؛ اِسْتِطَاعَت؛ وُدِّ پی گرفته و تبیین خواهد نمود.

مبانی نظری

تربیت مهمترین و مشکل‌ترین مسئله‌ای است که انسان با آن درگیر است. (کانت، ۱۷: ۱۳۶۸) از این رو برخی اندیشمندان مدعی شده‌اند که علم تربیت جدی‌ترین، پیچیده‌ترین و متنوع‌ترین علوم است (ماکارانکو ۱۹۳۰؛ یمنی، ۱۳۸۳: ۵) برخی دیگر اعتقاد دارند فرمول تربیت هنوز پیدا نشده است. برخی هم معتقدند ما هنوز فاقد یک تعریف تربیتی جهاشمولی هستیم که برای تمام جوامع یا حداقل برای اغلب آنها در زمان و مکان معتبر باشد (یمنی، همان: ۶).

مفهوم تربیت طیف وسیعی از مطالعات را به خود دیده و دلالت‌های مختلف و حتی متقابلی برای عمل تربیتی و نظام آموزشی داشته است و به رغم وجود منابع و تلاش‌های صورت گرفته در این حوزه؛ ابهامات ناشی از عدم تبیین مرزهای متمایزکننده تربیت، باعث شده در تعریف تربیت نگرش‌های مختلفی به وجود بیاید. در یک نگرش؛ تربیت اسلامی به منزله نظامی توصیفی است.

در نگرش دوم، نظامی استنباطی. در نگرش سوم، به منزله نظامی استنباطی - تأسیسی تلقی شده است که در آن برخی مسائل و مباحث مربوط به تربیت از متون اسلامی استخراج شده است (باقری، ۱۳۸۰: ۳۲). تعابیر متفاوتی از تربیت ذکر شده؛ در یک تعبیر تربیت اسلامی جریانی از آموزش است که سبب می‌شود یادگیرندگان، ضمن آشنایی با اصول دین، استدلال‌های موافقان را برای اثبات حقانیت این اصول بفهمند (داودی، ۱۳۸۴: ۹۸) در تعبیر دیگر، تربیت اسلامی جریانی از یک سلسله فعالیت‌های مستمر آموزشی است که در جهت کسب برخی نگرش‌ها در همه جوانب زیست اجتماعی و فردی صورت می‌گیرد (شعاری نژاد، ۱۳۸۶: ۱۴۳) در تعبیر سوم، تربیت اسلامی یک دکترین تربیتی که بر اساس اصول عقاید و مبانی ارزشی اسلام بنا شده است. (علم الهدی، همان: ۳۰). نبود یک مبنای واحد باعث شده هر محققى بنا بر برداشت خود به تربیت نگاه کند و از یک بُعد خاص به آن پردازد. از این رو تبیین تعریف جامع تربیت اسلامی که متلائم با مبانی و اصول پایه دین اسلام باشد، ضرورتی انکار ناپذیر تلقی می‌شود.

البته اهمیت آن پیش تر احساس شده بود و کتابها و مقالات بسیاری در این حوزه تحریر شده است ولی با این همه به نظر می‌رسد این نوع تبیین‌ها رویکردی ایستا دارند و برآیندی از تربیت را به نمایش می‌گذارند و تنها به ویژگی‌های یک انسان مطلوب می‌پردازند و به مسیر حرکت و مدل مفهومی سیر تغییر و تحولات تربیت انسان از آن جهت که هست و در شرایط کنونی زندگی می‌کند توجهی نشده است.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد در تحقیقات صورت گرفته؛ به کارگیری متداول مفهوم تربیت اسلامی متضمن معنایی از محدودیت است و آن را به نوعی تربیت فرقه‌ای در عرض تربیت مسیحی، یهودی تقلیل می‌دهد. لذا غفلت از فقر موجود در تعریف جامع تربیت قرآنی سبب شده از یک سو با وجود منابع نسبتاً غنی در حوزه تربیت اسلامی، امکان دستیابی به تربیت اسلامی محقق نشود و از سوی دیگر، مطالعات صورت گرفته را همچون جزیره‌های منزوی و در بعضی موارد، ناسازگار با یکدیگر باقی نگاهدارد و تربیت اسلامی را تا حد اطلاع آموزی درباره محتوای تاریخی، کلامی و فقهی یکی از ادیان مشهور جهان تنزل دهد و همین امر باعث شده برنامه عملی تربیت برگرفته از تعالیم قرآنی را در سبک زندگی، مدیریت آموزشی و عرصه‌های دیگر نداشته

باشیم؛ بنابراین بسط تعریف تربیت در سایر واژگان قرآنی می‌تواند پدیده‌ای تازه و اساساً متفاوت در برابر تربیت رایج باشد.

پیشینه پژوهش

علی‌رغم وجود پژوهش‌های متعدد در حوزه مذکور، پژوهش‌های اندکی در زمینه تعریف جامع تربیت با رویکرد قرآنی صورت گرفته و تحقیق‌های موجود هر کدام توصیفی از واژگان پرتکرار قرآنی در حوزه تربیت داشته‌اند. در ادامه به برخی از موارد مرتبط در سال‌های اخیر اشاره می‌شود:

فتحی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تبیین روش‌شناسی واژگان تربیتی کلیدی قرآن: معناشناسی موردی مفهوم تربیت» که با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است نشان داد واژه تربیت با سازه تزکیه، پیوند معنایی وثیقی دارد. تزکیه در منظومه معنایی قرآن، با هسته معنایی فزونی، رشد، شکوفایی و آراستگی مقارن بوده است و تمسک به آن تا حد زیادی رشد و رستگاری انسان را تضمین می‌کند.

بناری (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «بررسی دلالت‌های تربیتی آیات تعلیم و تزکیه» که با استفاده از روش کیفی - از نوع تحلیلی و استنباطی - انجام شده است نشان داد که آیات تعلیم و تزکیه، به خوبی به ارکان تربیت، یعنی مربی، متربی و محتوا پرداخته‌اند و دلالت‌های تربیتی در هر کدام را مورد توجه قرار داده‌اند. از باب نمونه، مربی باید در میان متریان باشد و با آنها سنخیت داشته باشد و نظام تعلیم و تربیت باید تزکیه محور باشد و برنامه‌های تزکیه‌ای بر تعلیمی مقدم باشد.

احمدزاده (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «مفهوم‌شناسی تربیت در قرآن کریم» نشان می‌دهد که واژه‌های معادل تربیت در آیات شامل مفاهیم رشد، هدایت، اصلاح و تزکیه است. از مجموع این واژگان این گونه برداشت می‌شود که مفهوم تربیت به واقع روش رساندن انسان از حالتی دیگر و شکوفاسازی استعدادهای آدمی و توانمندی‌های اوست.

بناری (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «در تکاپوی ارائه مفهومی نو از تربیت اسلامی با تأکید بر قرآن و روایات» نشان می‌دهد واژه تربیت به تنهایی کفایت معنای اسلامی آن را ندارد و لازم است

در کنار آن واژگانی چون هدایت، رشد، اصلاح، تزکیه، تهذیب، تطهیر و تأدیب نیز مورد بررسی قرار گیرد و بهتر است به جای تعلیم و تربیت اسلامی، تأدیب اسلامی بکار رود. بررسی پژوهش‌های مرتبط با موضوع این پژوهش بیانگر آن است که در فرایند بررسی قرآنی واژه تربیت؛ برخی از واژگان پر بسامدتر و پرتکرارتر بوده‌اند؛ مفاهیمی چون تزکیه، اصلاح، تقوا به عنوان مفاهیم اصلی حوزه تربیت قرآنی طرح شده‌اند. تمرکز پژوهشگران بر مفاهیم مذکور، اگر چه پژوهش‌های عمیقی را در ارتباط با این شبکه از مفاهیم ایجاد کرده است پرداختن به سایر مفاهیم قرآنی که دلالت‌های صریح و ضمنی برای فرایند تربیت دارند را به محاق برده است. در مجموع با بررسی پژوهش‌های به عمل آمده، هیچ پژوهشی با واژگان اصْطِنَاع، اِسْتِطَاعَت، وُدِّ در تبیین مفهوم تربیت مشاهده نگردیده است از این لحاظ تحقیق حاضر در حوزه شناسایی واژگان جدید در حوزه تربیت قرآنی نوآوری دارد.

با توجه به مطالبی که گذشت، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا ایضاح مفهوم تربیت با واژگان بدیع بر اساس آیات قرآن امکان پذیر است؟ برای پاسخیابی به این پرسش، به پرسش‌های زیر پاسخ داده شد:

۱. آیا واژه «اصْطِنَاع» با سازه اصلی تربیت قرآنی پیوند معنایی دارد؟
۲. آیا واژه «اِسْتِطَاعَت» با سازه اصلی تربیت قرآنی پیوند معنایی دارد؟
۳. آیا واژه «وُدِّ» با سازه اصلی تربیت قرآنی پیوند معنایی دارد؟
۴. جایگاه واژگان جدید در تبیین معنای تربیت و دلالت‌های تربیتی آن چگونه است؟

روش تحقیق

با توجه به این که این پژوهش دارای دو گام اساسی است، روش پژوهش مبتنی بر هر گام تشریح می‌شود. برای تحقق گام اول باید بیان شود که قرآن کریم با ساختار غیر موضوعی که دارد دیدگاه خود را در ارتباط با موضوعات یکجا بیان نمی‌کند. بنابراین برای اینکه در ارتباط با موضوع تربیت از راهنمایی قرآن بهره‌مند شویم ضروری است که مراجعه مکرر به آیات مختلف داشته باشیم و موضوع را به قرآن عرضه کرده و دیدگاه قرآن را درباره آن بدست آوریم. این

روش در پژوهش‌های موضوعی امری پذیرفته شده است (فولادوند، ۱۳۹۰: ۸؛ صدر، ۱۳۷۸: ۳۰؛ لسانی فشارکی، ۱۳۸۵: ۱۷۵) و مبتنی بر یک روش گام به گام و مسئله مدار پیش می‌رود (لسانی فشارکی، همان: ۱۸۰). پژوهش حاضر نیز با تاکید بر آیات قرآن تلاش خواهد کرد با رویکردی ساخت‌گرا واژگانی که در تعریف تربیت سهم دارند استخراج نماید. در گام دوم که دلالت‌های تربیتی واژگان قرآنی واکاوی می‌شود از روش استنتاجی استفاده شده است. رویکرد اصلی روش استنتاج این است که پیشاپیش یک مبانی را پذیرفته و آن‌گاه دلالت‌های پژوهشی مورد نظر از آن استخراج می‌شود و به صورت قیاس عملی مطرح می‌کند (کیانی و صادق زاده قمصری، ۱۳۹۰: ۱۵۷). پژوهش حاضر نیز برای استنتاج دلالت‌های تربیتی از واژگان مورد بحث به منزله یک استدلال قیاس عملی بهره جسته است.

واژه تربیت

این مفهوم در فرهنگ فارسی به معنای پروراندن، تربیت کردن، آماده ساختن و پرورش به کار می‌رود (معین، ۱۳۶۴: ج ۱، ۱۰۶۳؛ دهخدا: ج ۱۴، ص ۵۵۰) در زبان عرب با دو ماده «رَبَّو» و «رَبَّب» استعمال می‌شود و دیدگاه لغویان در تعریف آن متفاوت است زبیدی در تاج العروس (زبیدی، ۱۴۱۴: ذیل ماده رب) و ابن منظور در لسان العرب (ابن منظور، ۱۴۱۶: ذیل ماده رب؛ ازهری، ۱۳۸۲: ۱۹۲) تربیت را از ریشه «رَبَّب» به معنای فزونی و رشد می‌دانند این درحالی است که راغب اصفهانی، فراهیدی و ابن فارس تربیت را از ریشه «رَبَّو» و به معنای تربیت و سوق دادن چیزی به سوی کمال می‌دانند. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳: ج ۸: ۲۸۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳، ۳۱۳؛ مصطفوی، ۱۳۹۹: ۱۱۵) بر اساس تحلیل لغوی مختصری که ذکر آن رفت می‌توان نتیجه گرفت؛ این مفهوم از باب ریشه لغوی دارای رویکرد واحدی نبوده و بر این اساس تا حد زیادی جز مفاهیم مناقشه برانگیز می‌باشد. با لحاظ این موضوع، مقاله حاضر مفهوم تربیت را با زبان کلام الهی که روشن است مورد بررسی قرار می‌دهد «وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ» (النحل، ۱۰۳).

شبکه معنایی مفهوم تربیت در قرآن

قرآن یک مجموعه منسجم است که آیات آن با هم ارتباط دارند بنابراین با بررسی یک آیه نمی‌توان مفهوم آن واژه را مشخص کرد بلکه باید آن واژه را در کل قرآن بررسی کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۳، ۳۲۴) با این نگاه به منظور دستیابی به شبکه معنایی مفهوم تربیت در قرآن مولفه‌های معنایی واژگان حوزه تربیت بر اساس رویکرد ساخت‌گرا احصاء و استخراج شده است. به دلیل تنوع و کثرت تعداد واژگان مرتبط با محور تربیت، بررسی کامل و همه‌جانبه تمامی آنها امکان‌پذیر نبوده و به منظور رعایت اختصار و عدم موازی‌کاری علمی با سایر پژوهش‌های صورت گرفته در این عرصه این پژوهش تمرکز خود را بر سه مفهوم اساسی اصْطِنَاع، اِسْتِطَاعَت، وُدَّ و نسبت آن با مفهوم تربیت قرار داده است.

۱. اصْطِنَاع

واژه اصْطِنَاع در لغت به معنای ساختن (الأزهری، ۱۴۲۱، ج ۲: ۲۴؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۶۱۹) تربیت کردن (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۹۶)، حرفه‌ای که همراه با علم و مهارت ودقت باشد بکار می‌رود و مخصوص صاحبان عقل و اندیشه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۴۹۳) از باب نمونه حضرت حق در آیه ۳۹ سوره طه می‌فرماید «وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي» «محببتی از سوی خود بر تو روا داشته تا با مراقب کامل من ساخته و تربیت شوی و در جایی دیگر می‌فرماید «اصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي» من تو را برای خودم ساختم و تربیت کردم. (طه، ۴۱) تعبیر «لِنَفْسِي» شدت نزدیکی و اختصاص به خدا را نشان می‌دهد و تنها واژه‌ی است که خداوند در آن مستقیم تربیت انسان را به خود نسبت می‌دهد (طیب، ۱۳۴۸: ج ۹، ۳۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ج ۲، ۷۵۹؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ج ۶، ۱۲۶).

آیات مذکور نشان می‌دهد نظام تربیت قرآنی - بر خلاف نظام تربیتی مدرن که حدود و ثغور تعریف تربیت را بر دو محور مربی و متربی تعریف کرده - برای خداوند نقش تربیتی قائل شده و بیان می‌دارد پروردگار بر انسان منت گذارده و تربیت او را خود برعهده گرفت. لذا می‌توان گفت واژه صَنَعَ در آیات الهی برخلاف معنای عرفی آن که به ساختن اشیاء تعلق می‌گیرد تربیت انسان را هدف قرار داده است (قرائتی، ۱۳۷۸: ج ۵، ۴۲؛ قرشی، ۱۳۷۴: ج ۵، ۳۴۲).

از سوی دیگر در امور تربیتی توجه به اینکه صانع به هر فردی هر آنچه ویژه آن است عنایت می کند نکته ای است که در ادعیه معصومین نیز به آن اشاره شده است. امام حسین (ع) در ابتدای دعای پرفیض عرفه، حمد و ثنای الهی را با واژه صَنَعَ آغاز نموده است «خدای را سپاس که ساخته و تربیت یافته هیچ سازنده ای نیست، انواع مخلوقات را پدید آورد و ساخته‌ها را با حکمتش محکم نمود.» «الْحَمْدُ لِلَّهِ كَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعِ» (مفاتیح الجنان، دعای عرفه). بنظر می رسد اولین گام در ایجاد برداشتی عمیق قرآنی از مفهوم تربیت باور به این امر است که وجود انسان مستقل از خداوند نیست و تربیت او توسط خداوند هدایت می شود. «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (البقره، ۳۱) خداوند علم اسرار آفرینش را به آدم آموخت و هیچکس حتی ملائکه آنها را به طور کامل نمی دانست.

در این نگرش تربیت انسانی وسعت بی سابقه ای داشته و سلسله مراتب دارد و حیثیت دو گانه انسان در آن می تواند مراتب گوناگونی از كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ (الاعراف، ۱۷۹) تا مسجود الملائکه (الاسراء، ۶۱؛ الاعراف، ۱۱) را کسب نماید. از اینجاست که استطاعت به عنوان متغیری که این ها را ایجاد می کند وارد شبکه معنایی تربیت می شود.

۲. استطاعت

واژه استطاعت در لغت به معنای توانایی، قدرت و طلب طاعت به کار می رود (طریحی، ۱۳۹۳، ج: ۱؛ ۳۷۱) در کلام الهی با واژه اطاقه هم معنا به کار رفته است (قرشی، ۱۴۱۲، ج: ۴؛ ۲۴۸) با این تفاوت که استطاعت در بیان حضرت حق فقط برای انسان استعمال می شود و اطاقه هم برای انسان و هم برای حیوان استفاده شده است (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج: ۸؛ ۲۴۲). مفهوم استطاعت به واژه استعداد که امروزه یکی از مفاهیم پرکاربرد در ادبیات رایج روان شناسی و تربیتی می باشد نزدیک است. این در حالی است که لفظ استعداد در آیات استعمال نشده است لذا بنظر می رسد کاربرد واژه استطاعت یکی از مهمترین پیش نیازهای تحقق تربیت قرآنی باشد که می تواند به درک عمیق ما از انواع تربیت کمک شایانی نماید.

تحلیل و بررسی تفاسیر نشان می دهد، استطاعت در قرآن به کرات در معنای توانایی انجام کار توسط انسان استعمال شده است (قرشی، ۱۴۱۲، ج: ۴؛ ۲۴۸ و ۲۴۹) نظیر توانایی بر حج (آل عمران: ۹۷) توانایی بر جهاد (بقره: ۲۱۷) توانایی بر ساختن (انعام: ۳۵) توانایی بر اصلاح (هود: ۸۸)

توانایی جلب یاران (یونس ۳۸) توانایی نفوذ به آسمان (الرحمن ۲۳) توانایی بر تقوی (التغابن، ۱۶) توانایی بر صبر (کهف ۷۸) توانایی برجستگی (کهف: ۴۱) توانایی بر عدالت (نساء ۱۲۹) توانایی بر تامین نیرو (انفال: ۶۰) توانایی بر یاری (اعراف: ۱۹۷، ۱۹۴).

در سوره کهف که به نوعی به تربیت حضرت موسی (ع) توسط حضرت خضر (ع) اشاره دارد؛ تربیت کاملاً وابسته به مفهوم استطاعت است «قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا» (الکهف، آیه ۷۵)؛ «... ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِيعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (الکهف، آیه ۸۲)؛ «... لَمْ تَسْتَطِيعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (الکهف، آیه ۷۸) از این رو موسی (ع) به عنوان پیامبری که مأمور به شریعت است و بر ظاهر حکم می کند، استطاعت مبارزه با فرعون را دارد ولی نمی تواند کشتن کودک، تخریب مال غیر و احسان به ظالمان را بدون بینه و دلیل، تحمل کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۳۵) با توجه به محتوای آیات مذکور می توان در خصوص استطاعت دو گانه خیر و شری را متصور شد که یک مرتبه آن، ذاتی و مرتب بعدی اکتسابی است که باید توسط تربیت به فعلیت برسد. این داستان خواه جنبه تربیت برای موسی (ع) را هدف قرار داده باشد یا جنبه سرمشق بودن برای دیگران مراد کرده باشد در الگو تفاوتی نمی کند و نشان می دهد استطاعت به معنای توانایی درک واقع همواره نیازمند مربی، راهنما و رهبر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ج ۱، ۳۸۲).

نکته تربیتی دیگر آن است که استطاعت به معنای توان و قدرتی که حدود تشخیص هر فرد را تشکیل می دهد نیازمند به فعلیت رسیدن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۹۸) و به فعلیت رسیدن نیازمند انگیزه است، از اینجاست که یک متغیر دیگری بنام مودت وارد شبکه معنایی تربیت می شود. این متغیر با عناوین مختلف نظیر انگیزش، هیجان، شوق، محبت در تحقیقات علوم تربیتی مطرح شده است.

۳. وُدّ

واژه وُدّ طبق بیان بسیاری از لغت نامه های عربی دارای معانی چند گانه است. اگر وُدّ با یکی از حروف مصدریه همراه شود دارای معنای آرزو داشتن خواهد بود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۶۰؛ زمخشری، ۱۴۱۷: ج ۱، ۳۵۲) هر گاه با مفعول به کار رود به معنای دوست داشتن است (ابن فارسی، ۱۴۰۴: ج ۶، ۷۵؛ جوهری، ۱۱۳۶۹: ج ۴، ۵۴۹) گاهی هم هر دو معنا بدون برتری یکی بر

دیگری استفاده شده است (ابن منظور، ۱۴۱۶: ج ۳، ۴۵۳؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ۶۵۳؛ طریحی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۱۵۹).

بررسی مفهوم وُدّ از یازده ترجمه مشهور حکایت از آن دارد که ترجمه ها غالباً معادل‌یابی ناصوابی داشته و یا تعبیری چون: دوست دارد (ترجمه آقایان طباطبائی، مشکینی، مجتبی، آیتی، حداد)، آرزو داشتن (ترجمه آقایان انصاریان، فولادوند، فارسی، رضایی، صفارزاده، الهی قمشه‌ای) به جای یکدیگر به خطا ترجمه شده است (جعفری و محقق، ۱۳۹۹: ۱۲۶). در بررسی‌های انجام شده در ترجمه این واژه مشخص گردید وُدّ بدون همراهی حرف مصدریه به معنای محبت به شیء از روی فطرت است که از طرف خداوند در درون ما قرار گرفته است و با محبت از ریشه حُب که تمایل به شیء از روی شناخت است، متفاوت می‌باشد (جوهری، ۱۳۶۹، ج ۴: ۵۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۶۰ و ۸۶۱؛ قرشی، ۱۴۱۲: ج ۷، ۱۹).

از موارد استعمال صحیح وُدّ جایی است که نوع خاصی از محبت با انگیزه مطرح باشد. در این باب علامه طباطبائی معتقد است، وُدّ عاطفه‌ی است که اثر آن در عمل ظاهر می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۶۶). به عبارت دیگر وُدّ، محبتی است که آثار و پیامدهای آشکاری مانند الفت، مراودت و احسان به همراه داشته باشد به همین علت خداوند نیز خود را وُدود معرفی کرده است «إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ» (هود، آیه ۹۰؛ بروج، آیه ۱۲) چون محبت خداوند با انگیزه بخشش همراه است «وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» (نحل، ۱۸) (همان، ج ۱۰: ۳۷۴).

از نگاهی دیگر می‌توان گفت خداوند در قرآن وُدّ را در مواردی که ارتباط دوسویه باشد بکار برده است (النساء، ۷۳؛ المائده، ۸۲؛ العنکبوت، ۲۵؛ الممتحنه، ۱ و ۷). از این منظر واژه وُدّ جزء مفاهیم بنیادی و میان رشته‌ای مهمی خواهد بود که ارتباط تنگاتنگی با تربیت پیدا می‌کند و در تعیین شدت و نوع ارتباطات فرد با سایرین و ارتقاء موقعیت انسان در جهان نقش موثری ایفا می‌کند. این مطلب در آیاتی که کلمه وُدّ در آن به کار رفته وجود دارد. (آل عمران، ۶۹؛ النساء، ۸۹؛ الممتحنه، ۱؛ القلم، ۹). شاهدهی که برای صدق و اعتبار آن می‌توان ارائه داد آیه ۹۶ سوره مریم است که از آن به عنوان آیه وُدّ یاد می‌شود «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (علامه حلی، ۱۴۲۵: ۸۸؛ طوسی، ۱۳۹۳: ج ۷، ۱۵۴).

با توجه به مطالب ذکر شده؛ بنظر می‌رسد وُدّ می‌تواند متضمن انگیزه‌ای برای انجام عمل تربیتی باشد و بطور مستمر بر فرایند تربیت تاثیر گذار باشد چراکه فراوانی مفاهیم همچون مهربانی، شفقت، حب، دوستی و غیره در ادبیات دینی و گستره روایات و آیاتی که موضوع آنها گرایش‌های عاطفی است، نشان می‌دهد که تربیت قرآنی با اهتمام ویژه‌ای به سامان دهی محبت برای امر تربیتی پرداخت است لذا برای درک درست آن نیازمند پژوهش‌های تفصیلی در واژگان قرآنی هستیم. در این بین واژه وُدّ - به معنای مودت - به علت تفاوت معنایی با هم خانواده‌های خود و نقش کاربردی آن در امر تربیت نکته‌ای است که نباید از منظر تربیت قرآنی به دور باشد.

دلالت‌های تربیتی مفاهیم سه گانه اِصْطِنَاع؛ اِسْتِطَاعَت؛ وُدّ

همانطور که در بالا ذکر آن رفت، هدف اصلی و غرض نهایی از تدوین این مقاله گسترش ادبیات حوزه تربیت قرآن و تولید ادبیات بدیع به منظور تبیین موثرتر تربیت قرآنی بوده است. بدین منظور و با رویکردی معناشناسانه آیات مورد تحلیل قرار گرفت و کلید واژه‌های سه گانه بدین منظور استخراج شد. واژه شناسی در واقع گام اولیه، پیش‌نیاز و ابتدایی برای تحقق غرض اصلی مقاله بوده است. این پژوهش در عین حال که دارای ابعاد نظری می‌باشد، به منظور ارتقای کیفیت تربیت نیز قصد دارد، دلالت‌های تربیتی این واژه‌ها را نیز احصاء و تحلیل نماید. دلالت‌های تربیتی^۱ در واقع به رهنمودهای عملی گفته می‌شود که از مبانی دینی، فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی استخراج می‌شود و جهت‌گیری مشخصی را برای ارکان تربیت مانند هدف، محتوا، فعالیت‌های ایده‌دهی - یادگیری، ارزشیابی و ... تجویز می‌کند. براساس این نگاه و تحلیلی که از دلالت تربیتی ارائه شده است، دلالت‌های استخراج شده برای مفاهیم مألوف این مقاله عبارت از:

۱.۱ اهمیت بالای تربیت در قرآن

از منظر قرآن انسان‌ها به علت مقتضیات زیستی دارای اختلاف و تفاوت هستند «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا» - نوح، ۱۴) و اختلاف آنها نسبت به دیگر موجودات بیشتر است و آنها را به گروه‌های

1. Educational implication

متنوعی همچون مخلصین (العنکبوت، ۶۵؛ ص، ۴۵ و ۸۲؛ یوسف، ۲۴)، موقنین (الانعام، ۷۵؛ الشعراء، ۲۴؛ السجده، ۱۲؛ الدخان، ۲۰)، منیین (الروم، ۳۱-۳۳)، عالمین (الفاتحه، ۲؛ البقره، آیات ۱۳۱، ۱۲۲، ۴۷؛ آل عمران، آیات ۹۷، ۴۲، ۳۳)، مطهرین (التوبه، ۱۰۸)، مقرین (الواقعه، ۸۸؛ الشعراء، ۴۲؛ الاعراف، ۱۱۴)، صدیقین (النساء، ۶۹)، صالحین (القلم، ۵۰؛ المنافقون، ۱۰؛ الصافات، آیات ۱۱۲، ۱۰۰) و مؤمنین (البروج، ۱۰؛ التحريم، ۴؛ الصف، ۱۳) تقسیم کرده و هر گروه را دارای ویژگی‌هایی قرار داده که در گروه دیگر نیست. بطور مثال علم واقعی به اوصاف پروردگار را به مخلصین، مشاهد ملکوت آسمان‌ها و زمین را به موقنین، تذکر را به منیین، تعقل را به عالمین و علم تأویل کتاب را به مطهرین نسبت داده است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۳، ۱۰۱-۱۰۲). همچنین عناوین ناستوده را به گروه‌هایی نسبت می‌دهد همچون کافرین (فاطر، ۳۹؛ الحاقه، ۵۰؛ نوح، ۲۶)، منافقین (التحریم، ۹؛ المنافقون، آیات ۱، ۷، ۸)، فاسقین (الحشر، ۵؛ البقره، ۲۶؛ المائده، آیات ۱۰۸، ۲۶، ۲۵)، ظالمین (الانسان، ۳۱؛ نوح، ۲۸ و ۲۴؛ التحريم، ۱۱). با این نگرش، تربیت در قرآن نوعی آفرینش تشریحی است و به عنوان جلوه‌ای از قدرت لایزال الهی نخست ویژه ذات مقدس خداوند است. (طباطبائی، همان: ۱۱۰) شاهد مثال آن آیات «اصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي» است که خداوند خود را فاعل تربیت می‌خواند و به مقام معلم بودن خود اشاره دارند. «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (العلق، ۱-۵) انسانی را که هیچ نمی‌دانست، به وسیله قلم آموزش داد که این از اوج اهمیت تربیت که از شئون خداوندی است حکایت دارد یعنی در مکتب قرآن سرآغاز تربیت شناخت حقیقت یگانه‌ای است که تمام آفرینش از اوست و آرمان تربیت نیز معرفت به حقیقت یگانه است. آیات مذکور، ضمن معرفی خداوند به عنوان صانع انسان از مقام یاددهی به انسان توسط خداوند سخن می‌گوید که این مطلب نشانگر عظمت و شکوه مقام تربیت در قاموس هستی است.

۲. بسط حدود و ثغور مفهوم تربیت

بر اساس توضیحاتی که ذیل واژه اصطناع ارائه شد خداوند می‌فرماید: که من تو را برای خودم خلق کردم و تربیت نمودم؛ حدود و ثغور فرآیند تربیت گسترش پیدا می‌کند و از حیث صرفاً انسانی که به رابطه دو یا چند انسان خلاصه می‌شود- بر اساس ادبیات سکولار و غیر الهی- برای

خداوند نقش تربیتی قائل می‌شود و تربیت انسان را از حیث بنده بودن و با توجه به نسبت او با خدا نشان می‌دهد.

با بررسی این واژگان بنظر می‌رسد در قرآن پژوهی تربیتی، حدود و ثغور تربیت و فرایند آن بسیار گسترده‌تر و فراتر از نگاهی است که ادبیات تربیتی در طی سالیان اخیر تولید و نهادینه سازی کرده است چرا که نگرش نسبتاً غالب در گفتمان تربیتی مدرن بر آزاد بودن تربیت تأکید دارد و معتقد است «تربیت باید از لحاظ ارزشی بی طرف بوده صرفاً موضوعات علمی و اساسی را تعلیم دهند تا از خطر تحمیل و تلقین مبرا باشد.» (الیاس، ۲۰۰: ۱۳۸۵) این درحالی است که در تربیت قرآنی بر تصریح و تبیین نقش خداوند در تربیت تأکید می‌شود و برای تربیت ماهیتی ارزشی قائل است. انکار ماهیت ارزشی تربیت نوعی پنهان کاری و فریب ارزش‌های است و غفلت از آن پرتگاه بسیار خطرناک تربیت است. (اعرافی، ۱۳۹۰: ۱۹) چرا که آدمی به دلیل جایگاه خاصی که در عالم هستی دارد خصیصه‌ای ذاتی به نام آزادی را برای او به ارمغان آورده است و این امر امکان سرباز زدن از اعتراف به توحید را برای او فراهم کرده است «أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ» (فصلت/۵۴) (مکارم شیرازی، ج ۲۴: ۱۱۳). پس انسان بنا بر آزادی ذاتی خود به توحید شک می‌کند و حتی آن را انکار می‌کند. آدمی به رغم دیگر موجودات راه پر پیچ و خمی به سوی اثبات توحید در پیش رو دارد او بر سر دو راهی انتخاب قرار دارد و می‌تواند توحید و ولایت حق را پذیرا شود یا آن را انکار کند از این رو قرآن هدف خلقت آسمان‌ها و زمین را دانستن آدمیان معرفی می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۸۹۵) بدین ترتیب، تربیت همچون جزء ناگزیر زیست انسانی نه تنها طریق منحصر به فرد تحقق و توسعه آزادی ذاتی اوست. طریق تمایل انسان برای جاودانگی نیز هست. نظام ارزشی حاصل از عقلانیت اهداف و فرآیندهای تربیتی را هدایت می‌کند و اقدامات فردی و گروهی را با محور قرار دادن حق سامان می‌بخشد. حتی این دلالت به عنوان یک سیستم معیار علاوه بر فعالیت‌ها و تصمیمات مهم و مربوط به تربیت به جهت دهی اقدامات اجتماعی نیز می‌پردازد.

بسط حدود و ثغور مفهوم تربیت در این نگرش تغییرات هماهنگ و منظمی است که تربیت را از انتقال اطلاعات نظری صرف به نظام ارزشی تغییر می‌دهد. سلسله تغییرات اساسی عبارتند از: تعریف تربیت مبتنی بر گزاره‌های توصیفی تربیتی است که در گزاره‌های توصیفی در نمی‌ماند

بلکه از آنها به سوی تجویز گزاره‌های هنجاری و عرضه بیانیه‌های هدایت‌کننده صعود می‌کند (الیاس، ۱۳۸۵: ۲۰۰). این سلسله تغییرات منظم شامل چرخش از واژگان تکراری به سوی واژگان نو و جدید، چرخش از محیط‌گرایی به موقعیت‌شناسی، چرخش از تربیت مبتنی بر موضوع به آموزش مبتنی بر هدف، چرخش از روش‌ها و دستورات‌عمل‌ها به تغییر نگرش‌ها و باورها است (برزینکا، ۱۳۷۶: ۱۶۵). در صورتی که این تغییرات بطور نظام‌مند و با دقت و برنامه‌ریزی شده بدون تعصب و با ملاحظه جهات گوناگون روی دهند، می‌تواند مفهوم تربیت را از انتقال اطلاعات به تعقل و تدبیر نزدیک نمایند. به عبارت دیگر بسط مفهوم تربیت باعث می‌شود؛ تربیت متکی بر انتقال اطلاعات به تربیت عقلانی ارزش‌مدار تبدیل شود و این جهش برای تربیت ضرورت دارد زیرا بدون شک تربیت که بر انتقال اطلاعات استوار است با نگرش اسلامی که بر عقلانیت و ارزش‌ها تأکید دارد سازگار نمی‌باشد لذا مهمترین شاخصه دلالت تربیتی برگرفته از گسترش معنای تربیت رسیدن به تربیت عقلانی ارزش‌مدار است که برای خداوند نقش تربیتی قائل شود.

۳. استطاعت به عنوان پیش‌نیاز یادگیری

یکی از اهداف که برای تربیت استنباط می‌شود، کمک به خودشکوفایی متریبان می‌باشد. از آنجا که انسان جانشین و خلیفه خداوند است، پس باید دارای ویژگی‌های باشد که باعث شده است از این امتیاز برخوردار باشد، به عبارت دیگر خداوند که انسان را جانشین خود ساخته است باید در وی ویژگی را به ودیعه گذاشته باشد تا بتواند رسالت خود را به نحو احسن انجام دهد. این ویژگی همان استطاعت است که به عنوان توانایی خاصی که به انسان منحصر است اشاره دارد و انسان از این توانایی بالقوه برخوردار می‌باشد که باید تحت فعلیت سوق پیدا کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۸: ج ۷: ۳۳).

کلید واژه استطاعت را تا حدی می‌توان معادل کلید واژه استعداد دانست که در فرایند روان‌شناسی و تعلیم و تربیت مدرن به طور مبسوط به آن پرداخته شده است و به عنوان یک مفهوم کلیدی در این عرصه شناخته می‌شود. این در حالی است که فعلیت یافتن استعداد و توانایی در افراد مختلف در نهایت باعث ایجاد شخصیت‌های متنوع می‌شود اما بر اساس کلید واژه استطاعت

هر تشخص و شخصیتی مدنظر کلام الهی نمی باشد. بلکه بر اساس این کلید واژه که به معنای توانایی اطاعت خداوند می باشد. عبادت خداوند مهم ترین وظیفه انسانی و شخص عابد شخصیت مطلوب و در تراز انسانی از منظر قرآن می باشد. براساس این دلالت؛ رسالت تربیت آن است که متریبان را در جهت تحقق اطاعت خدا رشد دهد تا نیروی درونی آنها شکوفا شود. در اینجا نقش نظام تربیت از اهمیت فراوانی برخوردار است و باید اهداف خود را در این راستا متمرکز کند و متخصصان برنامه درسی در این راستا زمینه ها را فراهم کنند.

۴. جایگاه وُدّ در فرآیند هدف گذاری و تدوین محتوا

مطابق با نظر اغلب محققان تربیتی مفاهیم همچون علاقه، عشق، ارادت، محبت در حد فاصل شناخت و رفتار واقع می شود و نقش مکمل را برای هدف گذاری بازی می کنند و این امر سبب شده هدف تربیت علوم رفتاری - برخلاف علوم شناختی که تربیت در آن متکی بر تغییر شناخت هاست - تغییر رفتار باشد (خوارزمی، ۱۳۷۷: ۱۲۹). این در حالی است که در تربیت قرآنی توجهی متوازن به شناخت و رفتار وجود دارد و عنصر عواطف در کنار دو عنصر دیگر از جایگاه والایی برخوردار باشد. فراوانی مفاهیم ایثار، از خود گذشتگی، حب و مودت در گستره آیات نشان می دهد تربیت قرآنی در فرآیند هدف گذاری اهتمام ویژه ای به سامان دهی عواطف دارد. عاطفه نه تنها بر جهت دهی رفتار تاثیر گذار است در شکوفایی استعداد تاثیر شگرفی دارد. علاوه بر این عاطفه در تعیین شدت و نوع ارتباطات فرد با سایرین و ارتقاء موقعیت وجود شناختی او نقش موثری دارد. همانطور که از ریشه شناسی معنایی واژه وُدّ برمی آید این واژه بر مهر و محبت البته با قیدی خاص - عاطفه ای که اثر آن در عمل ظاهر شود - دلالت دارد. این معنا می تواند دلالت های بسیار روشنی برای فرایند هدف گذاری تربیت داشته باشد. به تعبیر دیگر واژه وُدّ می تواند اهمیت بالای عواطف و احساسات و پرورش آن ها را در فرایند تربیت پررنگ نماید. عواطف و احساسات یکی از ساحت سه گانه ایی است که در فرایندهای رشدی مورد توجه و عنایت روان شناسان بوده است و در امتداد دیدگاه روان شناسان، مربیان و دانش وران تعلیم و تربیت نیز در بعد هدف گذاری آموزشی به این ساحت رشدی نگاه ویژه ای داشته اند. به تعبیر دیگر بر اساس مفهوم «ود»، در فرایند تربیت نمی توان بحث عواطف و احساسات را و نهاد و آن را به سطح برنامه درسی

پوچ تقلیل داد. بلکه بر عکس، باید به این ساحت رشدی توجه جدی نمود و در فرایند هدف گذاری به آن پرداخت و در امتداد این شکل از هدف گذاری، بخشی از سبد محتوایی را نیز به این عرصه اختصاص داد.

نتیجه گیری

تربیت از ارکان اصلی نظام های آموزشی محسوب می شود. هدف در این نظام ها تربیت انسان هایی با ویژگی های خاص تعریف می شود و برای تحقق این ویژگی ها، فرایندها و ساختارهای تربیتی را تدارک می بینند. به تعبیر دیگر، نظام های تربیت به عنوان پیشتاز در عرصه فعالیت های خود به دنبال کشف اهداف تربیت و تدوین فرآیندهای تربیتی هستند؛ همان طوری که در چشم انداز سند ملی برنامه درسی، هدف تربیت، فطرت گرایی توحیدی معرفی می شود، ولی در عمل به علت وجود منابع دوگانه دینی و غیر دینی در نظام آموزشی، اهدافی متکثر و گاهاً متضاد و متعارض را دنبال می کند و از چشم انداز اصلی خود فاصله می گیرد. این درحالی است که ارزش و اهمیت فرایند تربیت توحیدی نزد آیات قرآنی به حدی بوده است که خداوند بحث تعلیم قرآن را مقدم بر خلقت انسان ذکر کرده است و تبیین و پیاده سازی آن را بر عهده انسان قرار داده است. بر اساس تفاسیر ارایه شده در باب این آیات، تربیت منطقی و طبیعی باید بدین گونه باشد: خلق انسان، تربیت بیان و در آخر تربیت قرآن ولی از آنجا که بزرگ ترین نعمت خداوند رحمان، تعلیم قرآن به انسان است، تا بتواند در پرتو قرآن به عبادت بپردازد، تعلیم قرآن را قبل از مسأله آفرینش انسان و آموزش بیان ذکر فرموده است. بنابراین، تربیت توحیدی در کلام الهی نوعی آفرینش تشریحی به شمار می رود که توسط حضرت حق انجام می گیرد تا مسیر هدایت را به بشر بیاموزد. در همین راستا داده های مقاله نشان می دهد، کلید واژه استطاعت که مورد بحث قرار گرفت، به معنای توانایی طاعت است؛ به عبارت دیگر این واژه مبین این واقعیت است که انسان توانایی های مختلفی دارد که بالاترین تجلی آن در طاعت و عبادت پروردگار است. از این جملات می توان این گونه نتیجه گرفت که تربیت انسان عابد و اطاعت کننده از خداوند می تواند از اهداف اصلی نظام تربیت قرآنی باشد. به تعبیر دیگر بر مبنای نگرش قرآنی؛ تعریف تربیت چه ناظر به مقصد باشد چه ناظر به مبدأ؛ معطوف به توحید است. مضاف بر این واژه اِصْطِنَاع که در آن خداوند انسان

را خطاب می‌دهد و می‌فرماید که تو را برای خودم خلق کردم و تربیت کردم نشان از کرامت ذاتی انسان دارد که باید در فرایند هدف‌گذاری تربیتی مورد توجه قرار گیرد. در باب فرآیند تربیت و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری نیز واژه تربیتی وُدّ که به طور مشخص به ظرفیت غنی عواطف و احساسات اشاره دارد می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. بکارگیری ظرفیت مودت در فرایند عمل تربیتی را می‌توان از مهم‌ترین کاربردهای عملیاتی واژه وُدّ در تربیت قلمداد کرد.

از آنجا که این پژوهش، تربیت اسلامی را به عنوان زیر بنای اصلی ایجاد تحول در انسان از یک سو و ورود تربیت مدرن با نقد و خرده‌گیری از تربیت دینی از سوی دیگر را حاکی از اهمیت و حیاتی بودن انجام پژوهش‌های نظام‌مند با هدف تبیین تعریف جامع از تربیت قرآنی از طریق شناسایی، استخراج و بسط واژگان جدید در حوزه تربیت می‌داند، ضمن تأکید بر امتداد این رویکرد، موضوعات ذیل را برای پژوهش‌های آینده ارائه می‌دهد:

- تربیت قرآنی یک جریان سیال و پویاست. همان‌گونه که این پژوهش سه واژه: *إِصْطِنَاعٌ؛ إِسْتِطَاعَةٌ؛ وُدّ* که ظرفیت استنطاق نگاه تربیتی را داشته، محور پژوهش خود قرار داده است؛ استخراج واژگان قرآنی دیگر که کمتر مورد توجه پژوهشگران عرصه تربیت اسلامی بوده می‌تواند مبنای تحقیقات جدید قرار گیرد.
- هدف غایی از پژوهش‌های تربیت، غنی‌سازی ادبیات بدیع در حوزه تربیت قرآنی به منظور ارتقای کیفیت فرایند تربیت است. واژه شناسی در واقع گام اولیه و پیش‌نیاز تحقق هدف مذکور است که لازم است با رویکرد معناشناسانه دلالت‌های تربیتی این واژگان شناسایی و تبیین شود. در ادامه این پژوهش پیشنهاد می‌شود، بررسی و ترسیم امتداد روشی این واژه‌ها در ارتقای کیفیت فرایند تربیت موضوع پژوهش‌های تربیتی قرار گیرد.
- نبود تعریفی جامع و متفاهم جامعه علمی از تربیت مبتنی بر آموزه‌های اسلام، این عرصه را با انبوهی از دیدگاه‌های فردی دانشمندان تربیت اسلامی مواجه کرده که قدرت ایجاد یک جریان علمی اثرگذار برای تحول در بستر تربیتی جامعه ندارد، لازم است پژوهش‌هایی برای رسیدن به معنایی جامع و کامل از تربیت با بهره‌گیری از قرآن و سایر منابع معتبر اسلامی و با در نظر گرفتن تمامی ابعاد انسانی تعریف شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم، (۱۳۸۰). مترجم: ناصر مکارم شیرازی، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی
- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. محقق: عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۶ق). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- زهری، محمد بن احمد (۱۳۸۲). تهذیب اللغة. مترجم: عبدالله درویش. تهران: صادق.
- باقری خسرو (۱۳۸۵)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد اول. چاپ بیست و پنجم، تهران: انتشارات مدرسه
- باقری خسرو (۱۳۸۸)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد دوم. چاپ سوم، تهران: انتشارات مدرسه
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس و توسلی، طیبه. (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- برزینکا، ولفگانگ (۱۳۷۶)، فلسفه تعلیم و تربیت، ترجمه خسرو باقری و عطاران، تهران: محراب قلم
- جعفری کمانگر، رمضانعلی تقی زاده چاری. (۱۳۹۸). تبیین نسبت کتاب تکوین با کتاب تدوین در اندیشه های عرفانی - قرآنی شیخ محمود شبستری و علامه سید حیدر آملی. دوفصلنامه ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء، سال دهم شماره ۱۹.
- جوهری، اسماعیل بن حمار (۱۳۶۹). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه. ترجمه: نشر امیری. جلد چهارم. تهران: امیری
- خوارزمی، حسین (۱۳۷۷). شرح فصوص الحکم، تحقیق حسن حسن‌زاده آملی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- داوودی، محمد (۱۳۸۳)، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع): جلد دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- داوودی، محمد. (۱۳۸۴). نقش معلم در تربیت دینی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه و فرهنگ فارسی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (۱۳۶۳). مفردات الفاظ القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل. (۱۴۱۶ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالقلم.
- رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد. (۱۳۷۱). کشف الأسرار و عدة الأبرار. محقق: علی اصغر حکمت. تهران: امیر کبیر.
- زبیدی، محمد مرتضی؛ محمد بن یعقوب فیروزآبادی. تاج العروس من جواهر القاموس. (۱۴۱۴ق). محقق: علی شیری. بیروت: لبنان.
- سرمد، غلامعلی. (۱۳۹۰). روابط انسانی در سازمان های آموزشی، تهران: سمت.

- سلمان نژاد، مرتضی؛ محسن قاسم پور. (۱۳۹۱). معنائشناسی تدبیر در قرآن کریم با تکیه بر روابط همنشینی و جاننشینی. مجله مطالعات تاریخی قرآن و حدیث. شماره ۵۲- صفحه ۱۰۳-۱۲۴.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۶). مبانی روانشناختی تربیت. تهران: انتشارات اطلاعات.
- صادق زاده قمصری، علی رضا (۱۳۸۷)، تحلیل و نقد الگوی تبیین معرفت تربیتی با تعالیم دینی، مجله تعلیم و تربیت، دوره ۹۵: ۵۳-۹۰
- صدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۸). الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ترجمه محمد خواجه‌جوی. تهران: انتشارات مولی.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی. جلد های هفتم، یازدهم، چهاردهم و شانزدهم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۹۳). مجمع البحرین. مترجمان: عذرا مرادی، حوا کیمیا قلم و مانده رضائی. جلد اول. تهران: مهر طاهر
- الطوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۹۳). التبیان فی تفسیر القرآن. مترجم: محی الدین بهرام محمدیان. جلد هفتم. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش
- طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۴۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. ترجمه و تلخیص موسسه جهانی سبطين (علیهما السلام). جلد نه. تهران: کتابفروشی اسلام.
- علامه حلی، حسن یوسف. (۱۴۲۵ق). منهاج الکرامه فی معرفه الإمامه. تحقیق: عبدالرحیم مبارک. مشهد: کتابخانه تخصصی امیرالمؤمنین.
- علم الهدی، جمیله (۱۳۸۴)، مبانی تربیت اسلامی و برنامه ریزی درسی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
- العلوانی، جابر. (۱۳۷۷). اصلاح تفکر اسلامی. ترجمه: محمود شمس. تهران: قطره.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). العین. محقق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی. قم: موسسه دارالهجره.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب. (۱۴۱۵ق). القاموس المحيط. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۸ق). الاصفی فی تفسیر القرآن. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- قرائتی، محسن. (۱۳۷۸). تفسیر نور. جلد پنجم. تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۴). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۹۵). کلیات مفاتیح الجنان. مترجم: استاد الهی قمشه ای. تهران: فرحان
- کیانی، معصومه و صادق زاده قمصری. (۱۳۹۰). تبیین رویکردهای غالب روش شناختی پژوهش فلسفه تعلیم و تربیت در ایران و توصیف روش شناختی رساله های دکتری. پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت
- لسانی فشارکی، حسین مردانی زنجانی. (۱۳۸۵). روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم. زنجان: قلم مهر.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۲). بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ترجمه موسوی همدانی. جلد اول. قم: گنجینه

■ مرزگشایی مفهوم تربیت: در تکاپوی ارائه تبیینی بدیع از تربیت قرآنی

مصطفوی، حسن. (۱۳۹۹). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. ترجمه و تلخیص: صادق عباسی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

معین، محمد. (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی معین. تهران: امیرکبیر.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). پیام قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ره). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

نصیری، مهدی. (۱۳۸۴). جستارهایی در روان شناسی اخلاقی. تهران: انتشارات نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.

یمنی، محمد (۱۳۸۳). هفت دانش ضروری برای آموزش و پرورش آینده، تهران: دانشگاه شهید بهشتی

